

نقد و بررسی ترجمه کتاب تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه اثر ویلم فلور

امین محمدی*

چکیده

در دهه‌های اخیر، به دنبال اهمیت یافتن تاریخ اقتصادی، نگارش آثار پژوهشی در حوزه بررسی و شناخت اوضاع اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف تاریخ افزایش یافته است. در این راستا، پژوهش گرانی چون ویلم فلور و رودی متی با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی موضوعات مختلف اقتصاد ایران در عصر صفوی و قاجار از جمله مالیه، مالیات، تجارت، و بازار را مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی، مترجمان ایرانی تلاش کرده‌اند تا این آثار را در کوتاه‌ترین زمان ترجمه و به مخاطبان عرضه کنند. از آنجایی که موضوعات مختلف اقتصادی مملو از اسامی، لغات، و اصطلاحات تخصصی هستند، برای برگردان آن‌ها از زبان انگلیسی به فارسی به مترجمانی متبحر و متخصص در این عرصه نیاز است. بر این اساس، مقاله حاضر سعی دارد با بررسی ترجمه یکی از آثار ویلم فلور^۱ با عنوان *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*^۲ به این سؤال پاسخ دهد که عدم تخصص در ترجمه متونی از این دست چه آسیب‌هایی به متن اصلی وارد می‌آورد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عدم تخصص و ناآشنایی مترجم با تاریخ سیاسی، جغرافیای تاریخی، اصطلاحات مالی، و سندشناسی به اشتباهات فاحش در ترجمه منجر می‌شود و، افزون بر کاستن از ارزش کتاب، مخاطب و نویسنده اصلی را هم متضرر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه متون تاریخ اقتصادی، مترجم، آسیب‌های ترجمه، تاریخ قاجار.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
Amin.mohammadi64@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

۱. مقدمه

نگارش آثار در حوزه تاریخ اقتصادی ایران، در دهه‌های اخیر، رو به فزونی نهاده که مهم‌ترین دلیل آن دسترسی آسان‌تر پژوهش‌گران به آرشیوهای دولتی و خصوصی در مقایسه با گذشته و تعداد بسیار زیاد اسناد تاریخی با ماهیت اقتصادی (گزارش‌های اقتصادی، کتابچه‌های مالیاتی، بروات، و حواله‌جات و ...) است. در این بین، دو دسته از پژوهش‌گران در حوزه تاریخ اقتصادی ایران فعالیت می‌کنند: پژوهش‌گران ایرانی و پژوهش‌گران غیرایرانی. پژوهش‌گران ایرانی، از نظر نوع کارشان، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست کسانی که ساکن ایران هستند و غالب آثارشان را براساس منابع فارسی و اسناد تاریخی آرشیوهای داخلی نوشته‌اند. از مهم‌ترین پژوهش‌گران این دسته می‌توان به سهیلا ترابی فارسانی اشاره کرد.^۳ دسته دوم پژوهش‌گران ایرانی هستند که خارج از ایران در حوزه تاریخ اقتصادی فعالیت می‌کنند و عمده آثارشان با تکیه بر منابع و اسناد آرشیوهای خارجی است. از مهم‌ترین پژوهش‌گران این دسته می‌توان احمد سیف و احمد اشرف را نام برد.^۴

از میان پژوهش‌گران غیرایرانی فعال در حوزه تاریخ اقتصادی ایران می‌توان به رودی متی، چارلز عیسوی، کاترین لمبتون، و ویلم فلور اشاره کرد که در این بین کتاب‌های مالک و زارع در ایران^۵ اثر لمبتون و تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه^۶ اثر فلور از اهمیت بسیاری برخوردارند؛ چراکه این دو مؤلف توانسته‌اند با روشی دقیق و علمی منابع فارسی و غیرفارسی را تجزیه و تحلیل کنند و آثاری جامع در این حوزه از خود به جای گذارند. در بین آثار حوزه تاریخ اقتصادی هرگز نمی‌توان نمونه‌ای مشابه این دو کتاب یافت که تا این میزان از منابع فارسی، به‌ویژه اسناد تاریخی، استفاده کرده باشند. در این دو اثر می‌توان بهترین تحلیل‌ها را بر مبنای محتوای اسناد تاریخی مشاهده کرد و این ویژگی باعث شده است که بسیاری از پژوهش‌های تاریخ اقتصادی دیگر چه در حوزه نظری یا توصیفی - تحلیلی، در قالب کتاب یا مقاله، از دستاوردهای این دو کتاب استفاده کنند.

اما مهم‌ترین مسئله در مورد متون تاریخ اقتصادی پژوهش‌گران غیرایرانی ترجمه این آثار به زبان فارسی است؛ ترجمه‌ای که بتواند به‌درستی زحمات و دستاوردهای پژوهش‌گر را به مخاطبان فارسی‌زبان انتقال دهد. متأسفانه ضعف غالب تاریخ‌پژوهان در زبان انگلیسی باعث شده است که افرادی بدون تخصص در رشته تاریخ و فقط به دلیل تسلط به زبان انگلیسی به ترجمه متون تاریخ اقتصادی بپردازند و آثار آن‌ها، با وجود اشتباهات فاحش در ترجمه، با اقبال مخاطبان روبه‌رو شود.

با وجود اهمیت مبحث ترجمه متون تاریخ اقتصادی ایران تاکنون هیچ پژوهشی به این موضوع پرداخته است. در این پژوهش، با تعیین چهار محور مهم (تاریخ سیاسی، جغرافیای تاریخی، لغات و اصطلاحات مالی، و سندشناسی)، که در اغلب متون ترجمه شده در حوزه تاریخ اقتصادی وجود دارند، سعی بر آن است تا نشان داده شود که در هر محور به چه مسائلی پرداخته می شود و مترجم ناآشنا به این موضوعات دچار چه اشتباهاتی می شود و در نهایت با چه ابزارهایی می توان از بروز این اشتباهات جلوگیری کرد. داده های اصلی این پژوهش متن انگلیسی و ترجمه کتاب تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه اثر ویلم فلور است.

۲. تاریخ سیاسی

ابتدایی ترین ویژگی یک مترجم برای ترجمه یک متن تاریخ اقتصادی ایران از زبان انگلیسی به زبان فارسی آشنایی با تاریخ سیاسی و محدوده زمانی آن متن است. در صورتی که مترجم به تاریخ سیاسی و محدوده زمانی متن آشنا نباشد، دچار اشتباهاتی می شود که ترجمه متن را فاقد ارزش می کند. به سخن دیگر، مترجم باید به تاریخ سیاسی ایران مسلط باشد یا منابع کلاسیک تاریخ ایران را بشناسد تا در صورت لزوم با مراجعه به آن ها از اشتباهات احتمالی جلوگیری کند. بهترین راه برای فرار از دام این اشتباهات مطالعه منابع تاریخی و مراجعه به متون ترجمه ای مشابه در دوره مورد نظر است. مترجم باید تا پایان کار این دو راه را در پیش گیرد. موارد زیر که از ترجمه کتاب تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه^۷ اثر ویلم فلور، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، انتخاب شده اند نشان می دهند که ناآشنایی مترجم با تاریخ سیاسی چه اشتباهات ترجمه ای را در پی خواهد داشت:

The Qurchi bashi who collected taxes on several occasions and divided money among his ghazis without permission of the shah, was executed by shah abbas i and had his property confiscated in 1612-3/1021 (Floor 1998: 41).

مترجم این جمله را به صورت «اما درمقابل، یک قورچی باشی که به جمع آوری مالیات کار می کرد گاهی میان قاضی ها بی اجازه شاه پول تقسیم می کرد، به فرمان عباس اول در ۱۶۱۳-۱۶۱۲ به قتل رسید و دارایی هایش مصادره شد» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۷۳). در حالی که ترجمه صحیح آن به این صورت است: «قورچی باشی که چندین بار مالیات را وصول و پول آن را بی اذن شاه در میان غازیان خود تقسیم کرده بود در

سال ۱۰۲۱ ق/ ۱۶۱۲-۱۶۱۳ م به فرمان شاه عباس اول به قتل رسید و اموالش مصادره شد». نکته مهم در این قسمت، افزون بر ابهام جمله، ترجمه واژه «Ghazi» به صورت «قاضی» است، در حالی که برای یک تاریخ‌پژوه مشخص است که منظور نویسنده «غازی» به معنای جنگ‌جو است. نمونه‌های دیگر از این دست را می‌توان در جدول ۱ مشاهده کرد که مترجم بدون درک صحیح از لغات و اصطلاحات تاریخی به ترجمه آن‌ها پرداخته است.

There was plethora duties in the form of services to which peasants and urban dwellers were subjected (Floor 1998: 190).

مترجم این جمله را به صورت «همه‌گونه خدمت‌هایی که برای روستاییان و مردم شهرها انجام می‌شد تعرفه‌های بسیار وضع گردیده بود» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۲۶۳). بدیهی است که این ترجمه صحیح نیست و مترجم نتوانسته است موضوع و مفهوم مدنظر مؤلف را به درستی انتقال دهد. ترجمه صحیح آن به این صورت است: «عوارض بسیار زیادی در قالب خدمات وجود داشت که روستائینان و شهرنشینان ملزم به پرداخت آن‌ها بودند». در این جا مراد مؤلف از خدمات بیگاری رعایا برای حکومت است.

In Esfahan, the Asas received Do Dang or two- thirds of whatever they recouped from thieves (Floor 1998: 182).

مترجم این جمله را به صورت «در اصفهان، تعرفه عسس، عبارت از سهم دو یا سه دانگ مالباخته‌ای بوده که از راهزنان پس گرفته شده و به عسس داده می‌شد» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۲۵۳). این ترجمه افزون‌بر ایراد دستوری از نظر تاریخی هم دچار اشکال است. شکل صحیح آن به این صورت است: «عسس در اصفهان دو دانگ یا دوسوم اموال مسروقه‌ای را که از سارقان پس می‌گرفت برای خود برمی‌داشت».

For tax collection and political control in general the Shah relied on the collabration of influential local bureacratc families (Floor 1998: 33).

مترجم این جمله را به صورت «این شاه در جمع‌آوری مالیات و نظارت سیاسی بر کشور به همکاری خاندان‌های مستوفیان بانفوذ در هر ایالت یا محل تکیه کرد» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۶۱). در حالی که ترجمه صحیح آن به این صورت است: «شاه به‌طور کلی برای وصول مالیات و نظارت سیاسی به همکاری خاندان‌های دیوان‌سالار بانفوذ محلی تکیه داشت».

The Darugheh was to take measures against these and other illegal activities (Floor 1998: 158).

این جمله به صورت «داروغه هرکار لازم برضد گروه مرتکبین و دیگر کارهای نامشروع را می گرفت» ترجمه شده است (فلور ۱۳۹۴: ۲۲۳). درحالی که ترجمه صحیح آن به این صورت است: «داروغه موظف بود اقدامات لازم را علیه این کارها و دیگر فعالیت‌های نامشروع انجام دهد».

در مواردی رعایت نکردن دستور زبان انگلیسی و درعین حال ناآشنایی با تاریخ دوره موردنظر به اشتباهات فاحش در ترجمه منجر شده است: برای مثال:

Mirza Taqi Khan, Amirkabir, the reformist chief minister of Naser al-din Shah
(Floor 1998: 358).

این جمله به صورت «امیرکبیر اصلاح‌گر و صدراعظم ناصرالدین شاه» ترجمه شده است (فلور ۱۳۹۴: ۴۷۳). واضح است که «اصلاح‌گر» به‌عنوان صفت برای «صدراعظم» آمده است و در ترجمه فارسی باید بعد از «صدراعظم» بیاید. ترجمه صحیح این جمله به این صورت است: «میرزاتقی خان امیرکبیر، صدراعظم اصلاح‌گر ناصرالدین شاه».
یا در نمونه‌ای دیگر:

Fath ali Khan Kotval (Floor 1998: 443).

به‌اشتباه «کوتوال فتحعلی خان» ترجمه شده است (فلور ۱۳۹۴: ۵۸۳) درحالی که ضبط صحیح آن «فتحعلی خان کوتوال» است. هم‌چنین:

The Dutch East Indies Company (Floor 1998: 9).

که به‌جای «کمپانی هند شرقی هلند» به‌صورت «شرکت هلندی هند شرقی» ترجمه شده است (فلور ۱۳۹۴: ۲۸).

English East India Company (Floor 1998: 10).

که به‌جای «کمپانی هند شرقی انگلیس» به‌صورت «شرکت انگلیسی هند شرقی» (فلور ۱۳۹۴: ۲۹) ترجمه شده است. در جایی دیگر جمله:

The rule, however, was to rely on the power network of the old established families (Floor 1998: 259).

به‌صورت «رویه چنان بود که تنها با تکیه بر قدرت شبکه خانوارهای پیش‌کسوت محلی می‌شد حکومت کرد» ترجمه شده است (فلور ۱۳۹۴: ۳۴۹)، درحالی که ترجمه

صحیح آن به این صورت است: «باین حال، حکومت می‌بایست بر قدرت سلسله خاندان‌های محلی تکیه کند».

از آن‌جاکه مترجم به تاریخ آشنا نیست، در بسیاری موارد در ترجمه خود توضیحات اضافه‌ای به متن اصلی افزوده است. برای مثال، عنوان کتاب *A Fical History of Iran in the Safavid and Qajar* به صورت *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجار* ترجمه شده است، در حالی که *تاریخ مالی ایران در دوره صفویه و قاجار* ترجمه صحیح عنوان کتاب است. هم‌چنین، چندین بار واژه «Jezyeh» را به صورت «جزیه بر نامسلمان‌ها» ترجمه کرده است. یا در جایی که فلور جمله‌ای از میلیسپو نقل قول می‌کند (Floor 1998: 2) مترجم این چنین ترجمه کرده است: «میلیسپو کارشناس مالی آمریکا که در اواخر دوره قاجاری به ایران دعوت به کار شده بود تا دستگاه مالیاتی کشور را اصلاح کند چنین می‌گوید» (فلور ۱۳۹۴: ۱۷). در این ترجمه، جز «میلیسپو»، تمامی واژه‌های دیگر زائد هستند و در متن اصلی نیامده‌اند.

در نمونه‌ای دیگر، واژه «presents» (Floor 1998: 229) به صورت «پیش‌کش‌های رشوه‌ای» (فلور ۱۳۹۴: ۳۰۹) ترجمه شده است، در حالی که ترجمه صحیح آن «پیش‌کش‌ها» است و متن نشان می‌دهد که این پیش‌کش به‌عنوان رشوه پرداخت شده است و لازم نیست رشوه به‌عنوان صفت با پیش‌کش هم‌راه شود. از سوی دیگر، در صورتی که مترجم تشخیص بدهد جایی از ترجمه به توضیح بیش‌تر نیاز دارد باید در پانویس یا پی‌نوشت به آن‌ها بپردازد. در مواردی هم که مؤلف اشتباه کرده است مترجم باید بتواند اشتباه او را تصحیح کند؛ برای مثال، فلور چندین بار به اشتباه آقامحمدشاه را به صورت (Floor 1998: 442) «Mohammad Agha Shah» ذکر کرده است، در حالی که باید «آقا» را قبل از «محمد» می‌آورد. مترجم به‌سادگی از کنار این موضوع گذشته و آن را «آقامحمدخان» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۵۸۱). در جایی دیگر، فلور به اشتباه میرزاآقاسی، صدراعظم محمدشاه، را صدراعظم فتحعلی‌شاه (Floor 1998: 329) ذکر کرده است و مترجم نیز بدون اصلاح از آن گذشته است (فلور ۱۳۹۴: ۴۳۶). این موارد را باید مترجم اصلاح و در پانویس یا به صورت تعلیقات در انتهای کتاب ذکر کند. در کتاب‌های مشابهی چون *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*^۱ اثر رودی متی، حسن زندیه (مترجم آن) در موارد لازم در پانویس توضیحات لازم را ارائه کرده است. یا در بسیاری موارد درباره یک مبحث برخی منابع را برای مطالعه بیش‌تر به خوانندگان معرفی می‌کند (متی ۱۳۸۷: ۵۳)؛ برای نمونه، مترجم در ترجمه گزارش جنگ ایران و عثمانی در پانویس کتاب اشاره کرده است که اسامی موجود در گزارش را در هیچ منبعی نیافته است و احتمال

می‌دهد که این نام‌ها مأخوذ از اسامی عثمانی‌ها باشد (همان: ۴۰). یا در کتاب مالک و زارع در ایران، که باید آن را در زمره بهترین آثار ترجمه تاریخ اقتصادی به‌شمار آورد، منوچهر امیری، مترجم این کتاب، تعداد زیادی از اشتباهات سهوی و غیرسهوی مؤلف را اصلاح یا موارد ناقص را در پانویس و تعلیقات تکمیل و توضیح داده است؛ برای مثال، مترجم در توضیح مبحثی که لمبتون، به‌نقل از کتاب عتبه‌الکتبه ذکر کرده است، بیان می‌کند که «Classes all - همه طبقات» در اصل واژه «هم‌گنان» است (لمبتون ۱۳۹۳: ۱۵۲). یا درباره‌ی واژه «سواقی» در پانویس چنین آورده است: «به‌ظن قریب به یقین در این جا به‌معنی کاریز یا قنات آورده شده است نه به‌معنای جوی و برکه» (همان: ۹۵). در جایی دیگر، مترجم در پانویس توضیح می‌دهد که فرمان صادرشده برای ضیاء‌الدین، قاضی استرآباد، است و مؤلف در انتساب آن به حاکم استرآباد اشتباه کرده است (همان: ۱۵۳). یا با ارجاع به کتاب تذکره‌الملوک به این نکته اشاره می‌کند که در دوره صفویه عنوان «صدراعظم» وجود نداشته و انتخاب «Chief minister» از سوی مؤلف نادرست است (همان: ۲۳۷). موارد زیادی از این دست وجود دارد که نشان می‌دهد مترجم، افزون‌بر تسلط بر تاریخ دوره موردنظر، تلاش زیادی به‌خرج داده است تا، با مراجعه به منابع، اشتباهات جزئی مؤلف را تصحیح کند و اثری گران‌سنگ تقدیم خوانندگان کند. درحالی‌که پانویس‌های مترجم کتاب فلور ناکارآمد و در بسیاری مواقع زائد است و فقط برخی لغات به‌صورت تصادفی برای توضیح در پانویس انتخاب شده‌اند. در جدول زیر برخی اشتباهات ترجمه‌ای مرتبط با ناآشنایی مترجم با تاریخ سیاسی ذکر شده است. در برخی نمونه‌ها، مترجم از واژه‌های امروزی به‌جای واژه‌های تاریخی و مرسوم در گذشته استفاده کرده است که این شیوه یکی از آفات ترجمه متون تاریخی است.

جدول ۱. اشتباهات ناشی از ناآشنایی با تاریخ در ترجمه کتاب ویلم فلور

متن اصلی	صفحه ترجمه مترجم	صفحه	ترجمه صحیح
Jar va Yasag	۲۰۰	۲۷۵	جار و یساق
Javalaghi	۱۷۸	۲۴۸	جوالقی
Bureaucratic family	۲۸۵	۳۸۱	خانان دیوان‌سالار
Cossack brigade	۴۴۰	۵۷۷	بریگاد قزاق
Assassin	۲۴۳	۳۲۸	قاتل
Campaign	۲۳۷	۳۲۰	لشکرکشی
Bureaucratic official	۳۳	۶۱	دیوان‌سالاران

متن اصلی	صفحه	ترجمه مترجم	صفحه	ترجمه صحیح
Doctor of religion	۱۲۲	طبیان دینی	۱۷۶	مجتهدین
Non-Muslim	۱۲۷	نامسلمان	۱۸۲	غیرمسلمان
Turkish solar year	۲۹۳	تقویم ترکستانی و شمسی	۳۹۱	سال ترکی شمسی
Most Favored Nation	۳۹۵	کشوردوست و نیک‌خواه	۵۱۹	دولت کامله الوداد
Chayan sultan	۷۲	شایان سلطان	۱۱۱	چایان سلطان

۳. جغرافیای تاریخی

در ترجمه متون تاریخ اقتصادی، آشنایی با جغرافیای تاریخی و محدوده مکانی موضوع مورد نظر، که شامل شناخت جغرافیای طبیعی، اسامی قدیم و جدید شهرها و روستاها، ایلات و عشایر، و مواردی از این دست می‌شود، از نکات حائز اهمیت است. برای جلوگیری از ترجمه اشتباه در این حوزه بهترین کار استفاده از منابعی چون فرهنگ دهخدا، کتاب‌های جغرافیای شهرها و روستاها، و نرم‌افزار اطلس جغرافیای تاریخی جهان اسلام است. در صورت بی‌توجهی به این نکات اشتباهات فاحشی رخ خواهد داد که برای نمونه برخی موارد در ترجمه کتاب *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از دوره صفویه تا پایان قاجار* اثر ویلم فلور نشان داده می‌شود. در این موارد، مترجم فقط به اطلاعات اندک خود تکیه کرده و در اغلب آن‌ها ضبط نادرست را بدون اصلاح ارائه کرده است:

مترجم «Al-Madhkur» (Floor 1998: 259) را، که مؤلف برای خاندان «آل‌مذکور» در نظر گرفته است، چندبار به صورت «المذکر» (فلور ۱۳۹۴: ۳۴۹) ترجمه کرده است. آل‌مذکور از خاندان‌های حکومت‌گر در بوشهر بود که در تاریخ نواحی جنوب ایران اهمیت بسیاری داشت و برای تاریخ‌پژوهان یک خاندان شناخته شده است. در جای دیگر «the karapapaks of salduz» (Floor 1998: 351) به صورت «قره‌پاپاک‌های سلدوز» (فلور ۱۳۹۴: ۴۶۳) ترجمه شده است، در حالی که ضبط صحیح این ایل به صورت «قره‌پاپاق‌های سلدوز» است. یا «Jarqubeh» (Floor 1998: 277) که فلور در ضبط آن اشتباه کرده و مترجم هم بدون اصلاح آن را به صورت «جارقویه» (فلور ۱۳۹۴: ۳۷۱) ترجمه کرده در حالی که ضبط صحیح آن «جرقویه» از توابع اصفهان است.^۹ در جایی دیگر، مترجم «Bastanu» (Floor 1998: 423) را به صورت «باستانو» ترجمه کرده است (فلور ۱۳۹۴: ۵۵۵) در حالی که ضبط صحیح آن «بستانو» یکی از مهم‌ترین روستاهای بندرعباس است.^{۱۰} در تمامی این موارد و مواردی که

در جدول شماره دو آمده است، مترجم می‌توانست با رجوع به منابع جغرافیایی و تاریخی به راحتی ضبط صحیح آن‌ها را برگزیند. در کتاب‌های مشابه با موضوع تاریخ اقتصادی، مترجمان ضبط صحیح اسامی را ذکر کرده و در مواردی در پانویشت توضیحاتی درباره آن ارائه کرده‌اند؛ برای مثال، در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران*^{۱۱} اثر چارلز عیسوی، مترجم اسامی اقوام، شهرها، و روستاها را به درستی ضبط کرده است (عیسوی ۱۳۸۸: ۷، ۴۴، ۴۶، ۱۱۳) یا در کتاب *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفویه*، اثر رودی متی، مترجم تمامی اسامی جغرافیایی را در پانویشت توضیح داده است؛ برای نمونه، در توضیح برای شهر «خوشاب» بیان می‌کند که دو منطقه با نام خوشاب در کردستان وجود دارد و با استنتاج خود نشان می‌دهد که مراد نویسنده کدام یک از آن‌هاست (متی ۱۳۸۷: ۲۵).

یا کتاب *مالک و زارع در ایران* که مترجم اسامی جغرافیایی و ایلات را در پانویشت توضیح می‌دهد و در معرفی آن‌ها به دوره ده‌جلدی فرهنگ جغرافیایی ایران اثر حسینعلی رزم‌آرا ارجاع داده است (لمبتون ۱۳۹۳: ۵۱۲).

جدول ۲. اشتباهات ناشی از ناآشنایی با جغرافیای تاریخی در ترجمه کتاب ویلم فلور

متن اصلی	صفحه	ترجمه مترجم	صفحه	ترجمه صحیح
Qazaqlu	43	قزلقو	75	قزاقلو
Takallu torkamen	43	ترکمانان تکلو	75	ترکمانان تکلو
Karganrud	۲۵۹	کارگانرود	۳۴۸	کرگانرود
Kuh-e marra	۲۵۸	کوه مارا	۳۴۷	کوه مره
Krarak	۲۷۷	کرج	۳۷۲	کرارج
Baraan	۲۷۷	براعن	۳۷۲	برآن
Mahyar	۲۷۷	ماهیار	۳۷۱	مهیار
Rudshetin	۲۷۷	رودنشتین	۳۷۲	رودشتین
Karun	۲۷۷	کارون	۳۷۱	کرون
Dahaq	۲۷۷	دهاق	۳۷۱	دهق
Lashnis	۳۵۰	لاشینی	۴۶۲	لشنی
Kalku tribe	۳۳۸	ایل کالکو	۴۴۸	ایل کلکو
Qoreytu	۴۱۶	قریتو	۵۴۶	قوره‌تو
Bishagerd	۳۸۸	بیشگرد	۵۱۲	بشاگرد
Tarmin	۳۸۸	تارمین	۵۱۲	طارمین
Kamareh	۳۸۸	کامره	۵۱۲	کمره

۴. لغات و اصطلاحات مالی

یکی از شاخصه‌های اصلی کار ترجمه آشنایی و تسلط مترجم بر موضوعی است که قرار است آن را ترجمه کند. بدون تردید، مترجم ناآشنا با موضوع هرگز نمی‌تواند به درستی متن مورد نظرش را ترجمه کند و نتیجه کار ارزشی نخواهد داشت. بر این اساس، مترجم متون تاریخ اقتصادی باید با اشراف بر لغات و اصطلاحات مالی دوره‌های مختلف به ترجمه این کتاب‌ها دست بزند. بهترین راه برای جلوگیری از ترجمه نادرست مراجعه به منابع دوره‌ای است که مترجم قصد ترجمه در آن محدوده زمانی را دارد؛ برای مثال، برای ترجمه متون تاریخ اقتصادی مربوط به دوره صفویه، افزون بر منابع کلاسیک این دوره (تاریخ عالم‌آرای عباسی، احسن التواریخ، و ...)، رجوع به کتاب‌هایی چون تذکرة الملوك^{۱۲}، دستور شهریاران، دستور الملوك^{۱۳}، القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی^{۱۴}، و نیز سفرنامه‌هایی مانند سفرنامه شاردن و کمپفر لازم و ضروری است. در کنار این کتاب‌ها، اسناد تاریخی گردآوری شده از این دوره، به ویژه اسناد موقوفات و فرامین اعطای تیول و سیورغال، هم اهمیت به‌سزایی دارد.^{۱۵}

در ترجمه متون تاریخ اقتصادی دوره قاجار نیز، افزون بر منابع کلاسیک (حقایق الاخبار ناصری، ناسخ التواریخ، فارس‌نامه ناصری، و ...)، رجوع به کتاب‌هایی چون فروغستان^{۱۶}، شرح زندگانی من^{۱۷}، گنج شایگان^{۱۸}، و مالک و زارع در ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هم‌چنین آثاری که در حوزه گردآوری اسناد تاریخی این دوره هستند می‌توانند کمک شایانی در ترجمه بهتر متون تاریخ اقتصادی به مترجم داشته باشند.^{۱۹}

موارد زیر از ترجمه کتاب ویلم فلور آسیب‌های ترجمه مترجم ناآشنا با تاریخ اقتصادی را نشان می‌دهد: اصطلاح «tax reduction» (Floor 1998: 88) به معنی «تخفیف مالیاتی» یکی از رایج‌ترین اصطلاحات مالی در دوران صفویه و قاجار است که در اغلب متون و اسناد تاریخی به کار رفته است:

چون قاتل او هنوز غیرمعلوم بود فعلاً ده تومان به صیغه انعام و دو تومان تخفیف مالیاتی به ورثه مقتول دادم و غدغن کردم مباشر درصدد تفحص برآمده شاید قاتل را به دست آورند و او را به سزای خود برسانم.^{۲۰}

تخفیف مالیاتی معمولاً به کشاورزان اراضی خالصه اعطا می‌شد که به دلایلی نتوانسته بودند محصولات خود را طبق پیش‌بینی برداشت کنند و میزان برداشت آن‌ها کم‌تر از حد معمول بود.^{۲۱} مترجم این اصطلاح را به صورت تحت‌اللفظی و غیررایج «کاهش‌های مالیاتی»

(فلور ۱۳۹۴: ۱۳۱) ترجمه کرده است. هرچند از لحاظ معنایی این ترجمه اشتباه به نظر نمی‌رسد، انتخاب یک واژه امروزی برای یک موضوع تاریخی درست نیست.

هم‌چنین مترجم اصطلاح «Royal private purse- jeebi shahee» (Floor 1998: 323) را «جیبی شاهی یا کیسه شخص شاه» (فلور ۱۳۹۴: ۴۲۸) ترجمه کرده است، در حالی که معنی صحیح آن «صرف جیب شاه - صرف جیب مبارک» است. در دوره قاجاریه، به منظور تأمین پرداخت‌های شاه به صورت انعام و پیش‌کش، اداره‌ای در بیوتات سلطنتی شکل گرفت که وظیفه‌اش تأمین و نگهداری وجوه برای شاه بود (سپهر ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۸). در این نمونه هم مترجم یک عنوان تاریخی را به صورت امروزی ترجمه کرده است.

در نمونه دیگر «corn» (Floor 1998: 438) «ذرت» (فلور ۱۳۹۴: ۵۷۷) ترجمه شده، در حالی که مراد نویسنده «غله» بوده است. یا جمله:

The corn is prepared and separated from the husk (Floor 1998: 278).

به صورت «محصول آماده ذرت برای جداکردن مغز پسته آن» (فلور ۱۳۹۴: ۳۷۳) ترجمه شده، حال آن‌که ترجمه صحیح آن «غله آماده و جداشده از کاه» است. در تمامی منابع و اسناد تاریخی دوره قاجار، غله عنوان عمومی برای گندم، جو، و نظیر آن است. یا جمله:

Although most soyurghals were given for eternity, the heirs made sure them in shah, especially one who had not granted the soyurghal, confirmed them in their rights (Floor 1998: 61).

به صورت: «هرچند بیش تر سیورغال‌ها همیشگی بودند اما وارثان برای اطمینان از این‌که شاه به‌ویژه آن‌که بخشش سیورغال با او نبود، حق آنان بر سیورغال را تأکید کند می‌کوشیدند از او فرمان تازه بگیرند» (فلور ۱۳۹۴: ۹۷) ترجمه شده، در حالی که ترجمه صحیح آن به این صورت است: «با وجود این‌که بسیاری از سیورغال‌ها به صورت دائمی اعطا می‌شدند، وارثان آن‌ها برای اطمینان، از شاه - به‌ویژه اگر او سیورغال را اعطا نکرده بود - می‌خواستند که حقوق آن‌ها را بر سیورغال تأیید کند. در نمونه‌ای دیگر:

Hamehsalehs also tended to become hereditary which implied tax exemption, but had to pay user fees to various office holders (Floor 1998: 34).

به صورت «هم‌چنین همه سال‌ها به موروثی شدن گراییدند و همین اشاره به معافیت مالیاتی بیش تر می‌کند، درعین حال با پرداخت برخی وجوه به شکل کارمزد به اشخاص

گوناگون از صاحب‌منصبان نیز هم‌راه بود» (فلور ۱۳۹۴: ۶۳). این ترجمه مبهم نشان می‌دهد که مترجم نتوانسته است به درستی منظور نویسنده را منتقل کند. ترجمه صحیح این متن به این صورت است: «همه‌ساله‌ها نیز به موروثی شدن که ناظر به معافیت مالیاتی بود گرایید، باوجود این استفاده‌کننده آن مجبور بود بابت این مواجب دست‌مزدهایی به صاحب‌منصبان مختلف بپردازد». در جای دیگر:

Teyuls holders had to pay the net proceeds of tax collection to the state, were in charge of administration of their area and its population to which end they were given an instruction or dastur al- amal (Floor 1998: 33).

به صورت «صاحبان تیول به پرداخت خالص وجوه مالیاتی گردآورده خود از حوزه مسئولیت و مردم آن را که داشتند و موظف می‌شدند بابت آن از حکومت فرمان و دستورالعمل می‌یافتند» (فلور ۱۳۹۴: ۶۲) ترجمه شده است. ترجمه صحیح این متن «تیول‌داران مجبور بودند، طبق دستورالعملی که به آن‌ها داده می‌شد، عایدات خالص وصول مالیات را به حکومت که در رأس اداره ناحیه و اهالی آن بود بپردازند» است. در مواردی هم که نویسنده دچار اشتباه شده است، ضعف مترجم باعث عدم اصلاح اشتباه شده و با ترجمه‌ای نادرست‌تر اشکال آن را دوچندان کرده است؛ برای مثال، تعریف فلور از «روزنامه‌چه» هرچند غیردقیق است:

Every major government department had a ruznameh or journal to register all important daily changes in assets, liabilities, and promotions (Floor 1998: 99).

ترجمه باعث شده است همان تعریف ناقص نیز به صورت کامل انتقال نیابد: «هریک از اداره‌های اصلی حکومت دفتر روزنامه‌ای برای ثبت همه تغییرات و رویدادهای مهم و روزنامه در دارایی‌ها و بدهی‌ها و نیز در انتصاب‌ها نگاه‌داری می‌گردید» (فلور ۱۳۹۴: ۱۴۵). ترجمه صحیح این متن به این صورت است: «هر اداره اصلی حکومت، صاحب یک دفتر روزنامه بود که همه تغییرات مهم مربوط به دارایی‌ها، بدهی‌ها، و ترفیعات را در آن ثبت می‌کردند».^{۲۲}

مترجم مسلط به تاریخ اقتصادی اشکالات هرچند جزئی نویسنده را در پانوش متذکر می‌شود؛ برای مثال، در کتاب مالک و زارع در ایران مؤلف از مکاتبات رشیدی نقل کرده است: «مخارج حال و آینده - current and future expenses». مترجم، با مراجعه به منبع اصلی ارجاع نویسنده، برداشت او را تصحیح و «به‌وجه ماکول آینده و رونده می‌رساند» را

جایگزین آن کرده است (لمبتون ۱۳۹۳: ۱۹۵). یا در جایی دیگر، با مراجعه به منبع ارجاع مؤلف، اشتباه او در ضبط پانصد به جای پنج هزار را تصحیح می کند (همان: ۱۹۶).

جدول ۳. اشتباهات ناشی از ناآشنایی با تاریخ اقتصادی در ترجمه کتاب ویلم فلور

متن اصلی	صفحه	ترجمه مترجم	صفحه	ترجمه صحیح
Yamishchi bashi	۸۴	مشچی باشی	۱۲۷	یمیشچی باشی
Fee	۳۳۰	حق الزحمه	۴۳۸	حق التولیه
Peas	۲۹۳	بنشن	۳۹۰	نخود
Vetches	۲۹۳	علوفه	۳۹۰	ماش
Corn	۴۳۸	ذرت	۵۷۷	غله
trade movements	۱۵۹	رفت و آمد مالی تجارتي	۲۲۵	دادوستدهای بازرگانی

۵. سندشناسی

مترجم در ترجمه متون تاریخ اقتصادی باید با لغات و اصطلاحات سندشناسی آشنا باشد یا منابع این دانش را بشناسد تا در صورت لزوم به آن‌ها مراجعه کند. مهم ترین منابع برای شناخت اسناد تاریخی به شرح زیر است:

- مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی^{۲۳}
- درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجاریه^{۲۴}
- وجیزة التحریر^{۲۵}

در صورتی که مترجم بدون در نظر گرفتن این دانش به ترجمه این متون دست بزند، اشتباهات فاحش زیر رخ می دهد:

تمسک نامه در معنای عام سندی است که در آن بده کار بر بدهی خود به کسی اقرار می کند و متعهد می شود آن را در زمان تعیین شده پرداخت کند. در دوره قاجار، رعایا زمان پرداخت بدهی مالیاتی خود را به حکام و مباشرین حکومت، با نگارش و مهر کردن سند تمسک نامه، تعهد می کردند (رضایی ۱۳۹۰: ۱۲۷). «تمسکات»، که جمع تمسک است، در کتاب فلور به صورت اخص برای بدهی مالیاتی در نظر گرفته شده است:

Tamassokat: IOU, [tax] voucher (qajar) (Floor 1998: 531).

«سند مالیاتی به مفهوم من به تو بدهکارم (قاجاری)» (فلور ۱۳۹۴: ۶۹۷)، در حالی که معنای مدنظر فلور «سند بدهکاری [مالیاتی] (قاجار)» است. در نمونه دیگر:

Moqarrari: regular emoluments from the revenues for the beneficiaries (olama, seyyeds, refugees) who reside in the province (Floor 1998: 522).

این جمله به صورت «مقرری: پاداش و مستمری منظم از درآمدهای حکومتی به افراد ذی‌نفع مانند علما، سیدها، و پناه‌جویان بیگانه که در ایالتی ساکن می‌شدند» (فلور ۱۳۹۴: ۶۸۷) ترجمه شده است. مترجم به اشتباه تمسک را نوعی پاداش و مستمری دانسته است. براساس محتوای برات‌های به‌جای‌مانده از دوره قاجار، مقرری نوعی حقوق ماهانه یا سالانه است که به برخی اشخاص (روحانیون، سادات، روضه‌خوان‌ها، مستمندان، و ...) از محل مالیات‌های دیوانی ولایات پرداخت می‌شد. فرق مقرری با مواجب در این است که مواجب درازای دادن خدمات به کارکنان کشوری و لشکری پرداخت می‌شد، درحالی‌که مقرری بابت موقعیت اجتماعی به اشخاص پرداخت می‌شده است (ثمره حسینی ۱۳۹۲: ۴۹). با توجه به آنچه گفته شد، ترجمه صحیح برای مقرری به این صورت است: «پرداخت‌های منظم از درآمدهای [مالیاتی] برای افراد ذی‌نفع (علما، سادات، پناهندگان، و درره‌ماندگان) که در ایالتی ساکن بودند».

فلور در تعریف «مدد معاش» آن را نوعی پرداخت مختص دوره صفویه دانسته است (Floor 1998: 682)، درحالی‌که براساس منابع تاریخی در دوره قاجار مدد معاش به کارکنان کشوری و لشکری به صورت برات پرداخت می‌شد (اصفهانی ۱۳۹۶: ۴۶).^{۲۶} فلور برای علیق این تعریف را در نظر گرفته است:

Aliq (fodder): an impost collected by a governors servant while on tax collection duty (Qajar) (Floor 1998: 508).

مترجم این جمله را «علوفه، باجی که توسط نوکرهای حکمران هنگام وصول مالیات‌ها طلب می‌کنند» (فلور ۱۳۹۴: ۶۷۹) ترجمه کرده است. این تعریف به‌وضوح مغایر تعریفی است که منابع و اسناد تاریخی به‌دست می‌دهند. براساس اسناد و منابع تاریخی علیق، جو و کاه و علوفه خشکی است که به چارپایان دولتی داده می‌شد (فروغ اصفهانی ۱۳۷۸: ۲۴۸). در دوره قاجار، برای وصول علیق برای صاحبان چارپایان در مأموریت‌ها برات علیق صادر می‌شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۲۲۳): به این معنی که حکومت، از محل مالیات ولایات، علیق چارپایان کارکنان خود را پرداخت می‌کرد.

هم‌چنین، فلور تعریف نادرستی از «جیره» ارائه کرده است:

Jireh (daily ration): duty levied from peasants by government officials on official business (Qajar) (Floor 1998: 517).

این جمله به صورت: «کمک روزانه، تعرفه‌ای پرداختی روستاییان وصولی مقام‌های حکومتی در مأموریت‌های رسمی آن‌ها (قاجاری)» (فلور ۱۳۹۴: ۶۷۸) ترجمه شده است. ترجمه صحیح برای تعریف فلور به این صورت است: «جیره (توشه روزانه) عوارض وضع شده بر رعایا که صاحب‌منصبان حکومت در مأموریت‌های رسمی اخذ می‌کردند». هر چند تعریف صحیح جیره براساس منابع و اسناد تاریخی به این صورت است: «آنچه از مأكولات که به نوکر دهند [از قوت غالب از گندم و جو و خرما و مویز] موافق قرار معین» (فروغ اصفهانی ۱۳۷۸: ۲۴۷). برای جیره براتی صادر می‌شد که از محل وصول مالیات‌های دیوانی ولایات آن را می‌پرداختند.

تعریفی که فلور برای «انعام» در نظر گرفته است به این صورت است:

Enam: gratuity, either incidental or recurrent (Floor 1998: 513).

این تعریف برای انعام کامل نیست و مترجم باید براساس منابع و اسناد تاریخی تعریف صحیح آن را به صورت پی‌نوشت یا پانویس توضیح دهد، درحالی‌که به صورت «کمک و اعانه اتفاقی یا همیشگی» (فلور ۱۳۹۴: ۶۷۳) ترجمه شده است. براساس منابع «انعام: وجه یا جنسی است که مقرر و یا مستمر نباشد و به واسطه‌ای در وجه کسی صادر گردد» (فروغ اصفهانی ۱۳۷۸: ۲۴۶).

در ترجمه اخراجات هم مترجم دچار اشتباه شده است. اخراجات وجهی است که دولت درازای هزینه‌های مستمر و غیرمستمر کارکنان کشوری و لشکری خود بابت ملبوس، مأكول، مسکن، و غیره می‌پردازد (همان: ۲۴۶) و برای آن براتی به‌اسم برات اخراجات صادر می‌کند (محمدی و ثمره حسینی ۱۳۹۴: ۱۷۴). تعریفی که فلور در کتابش ارائه داده به این صورت است:

Ekhrajat: occasional expenses and disbursements connected with the exercise of an official function or task (Floor 1998: 513).

مترجم، بدون در نظر گرفتن مفهوم اخراجات در دوره قاجار، ترجمه «هزینه‌های اتفاقی و خرج مربوط به تصدی یک وظیفه و شغل رسمی» (فلور ۱۳۹۴: ۶۷۳) را برای این جمله در نظر گرفته است، درحالی‌که با توجه به توضیحات یادشده «هزینه‌های مستمر [و غیرمستمر] در ارتباط با مخارج یک کار یا مأموریت رسمی» ترجمه صحیح‌تری است.

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت روزافزون پژوهش‌های تاریخ اقتصادی در ایران و نیز تولید متون ارزش‌مند در این حوزه در اقصی نقاط جهان به زبان انگلیسی، لزوم ترجمه دقیق این متون به زبان فارسی بیش‌ازپیش حائز اهمیت است. بررسی ترجمه کتاب *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از دوره صفویه تا پایان قاجار* نشان داد که عدم تخصص و ناآشنایی مترجم با تاریخ سیاسی، جغرافیای تاریخی، اصطلاحات مالی، و سندشناسی به اشتباهات فاحش در ترجمه منجر می‌شود و این اشتباهات، افزون بر کاستن از ارزش کتاب، مخاطب و نویسنده اصلی را هم متضرر می‌کند. در تاریخ سیاسی ضبط صحیح اسامی، القاب، لغات و اصطلاحات، و نیز رویدادهای تاریخی؛ در جغرافیای تاریخی ضبط اسامی جغرافیایی، ایلات و طوایف، اقوام و نژادها؛ در تاریخ اقتصادی لغات و اصطلاحات و رویدادهای اقتصادی رایج در گذشته؛ و در سندشناسی تشخیص اسناد تاریخی و لغات و اصطلاحات سندشناسی مهم‌ترین موضوعاتی بودند که مترجم غیرمتخصص را دچار اشتباه در ترجمه می‌کردند.

بهترین راه‌کار برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی مطالعه آثار مرتبط با موضوع در محدوده زمانی و مکانی متون تاریخ اقتصادی و رجوع به آن‌ها در تمام مراحل ترجمه کتاب، استفاده از کتاب‌های ترجمه‌شده مشابه، یاری گرفتن از افراد متخصص در موضوع برای بازبینی ترجمه و استفاده از یک ویراستار متخصص در موضوع برای یک‌دست کردن متن و رفع اشکالات احتمالی در ترجمه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ویلم فلور (Willem Floor) ایران‌شناس هلندی است که آثار بسیاری در حوزه تاریخ ایران در دوره صفویه و قاجار تألیف کرده است. مهم‌ترین ویژگی آثار او استفاده از اسناد آرشیوهای خارجی است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به *اصناف و تجار ایران در قرن نوزدهم، اوزان و مقیاس‌ها در دوره قاجار، برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان، بیمارستان‌های ایران در دوره صفویه و قاجار، و جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار* اشاره کرد.

2. *A Fisical History of Iran in the Safavid and Qajar Periods*

۳. بنگرید به سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۸۴)، *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: نشر تاریخ ایران؛ سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۹۲)، *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران*، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۴. بنگرید به احمد سیف (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه؛ احمد سیف (۱۳۸۷)، *قرن گمشده، اقتصاد و جامعه ایران قرن نوزدهم*، تهران: نشر نی؛ احمد اشرف (۱۳۵۹)، *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*، تهران: زمینه.
۵. بنگرید به آن کاترین سواين فورد لمبتون (۱۳۹۳)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
6. Willem Floor (1998), *A Fisical History of Iran in the Safavid and Qajar Periods, 1500-1925*, New York: Bibliheca Persica Press.
۷. ویلم فلور (۱۳۹۴)، *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۸. بنگرید به رودلف پ. متی (۱۳۸۷)، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. جرقویه [ج] [اخ] نام یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهرضاست (نعت‌نامه دهخدا).
۱۰. بستانو [ب] [اخ] دهی است از دهستان تیمی بخش کنگان شهرستان بوشهر که در نودهزارگزی جنوب خاور کنگان کنار شوسه سابق کنگان به لنگه در جلگه واقع است (نعت‌نامه دهخدا).
۱۱. چارلز عیسوی (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۱۲. محمدسمیع میرزا سمیعا، *تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به‌اهتمام سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.
۱۳. میرزا رفیعا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، ترجمه علی کردآبادی، به‌کوشش اسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: وزارت خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۱۴. یوسف رحیم‌لو (۱۳۷۱)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۵. برای نمونه، نگاه کنید به عبدالحسین نوایی (۱۳۵۳)، *شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران؛ عبدالحسین نوایی (۱۳۶۰)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ق*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران؛ عبدالحسین نوایی (۱۳۶۳)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ و نیز ذبیح‌الله ثابتیان (۱۳۴۳)، *اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفویه*، تهران: ابن‌سینا.

۱۷. محمد مهدی فروغ اصفهانی (۱۳۷۸)، *فروغستان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب. فروغستان را یکی از مستوفیان دوره محمدشاه با موضوع سیاق و حساب‌داری دیوانی دوره قاجار نوشته است. این کتاب در زمینه امور مالی دوره قاجاریه منحصربه‌فرد است.
۱۸. عبدالله مستوفی (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، تهران: زوآر. کتاب شرح زندگانی من یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در زمینه تاریخ اجتماعی و اقتصادی دوره قاجاریه است که نویسنده آن را در قالب زندگی‌نامه‌ای خودنوشت تدوین کرده است. از آنجایی که خانواده نویسنده در جرگه مستوفیان بوده‌اند و نویسنده در خلال کتاب به صورت گسترده به مباحث و رویدادهای اقتصادی پرداخته است، شرح زندگانی من را می‌توان کتابی ارزشمند برای نگارش تاریخ اقتصادی به‌شمار آورد.
۱۹. سیدمحمدعلی جمال‌زاده (۱۳۶۲)، *گنج شایگان*، تهران: نشر کتاب تهران. نویسنده در این کتاب گزارش جامعی از اوضاع اقتصادی ایران در دوره قاجار ارائه کرده است. مهم‌ترین موضوعات این کتاب تجارت، واردات و صادرات، گمرک، راه‌ها و وسایل نقلیه، صنعت، اوزان و مقادیر، و مالیه ایران است. این کتاب اثری ارزشمند و بی‌بدیل در زمینه تاریخ اقتصادی دوره قاجاریه است.
۲۰. برای نمونه، نگاه کنید به کریم اصفهانیان، بهرام غفاری و علی‌اصغر عمران (۱۳۸۵)، *اسناد تاریخی خاندان غفاری*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار؛ حوریه سعیدی (۱۳۸۸)، *شاه و جناب آقا: مکاتبات ناصرالدین شاه و میرزا یوسف مستوفی الممالک*، تهران: نشر تاریخ ایران. جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۴۸)، *یک‌صد و پنجاه سند تاریخی از جلال‌ریزان تا پهلوی*، تهران: چاپ‌خانه ارتش.
۲۱. عبدالحسین میرزا فرمان‌فرما (۱۳۸۳)، *مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان*، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر، ص ۴۲.
۲۲. سیدمحمدعلی جمال‌زاده، *گنج شایگان*، ص ۱۳۸.
۲۳. تعریف کتاب *فروغستان*: دفتر روزنامه‌چپه که آن را دفتر تعلیق نیز خوانند و آن عبارت است از دفتری که جمله مقررات اموال دیوان و اخراجات و غیره که واقع شود، در آنجا روزبه‌روز با ملاحظه ذکر ماه و سال ثبت کرده باشند (فروغ اصفهانی ۱۳۷۸: ۲۵۹).
۲۴. جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۷۸)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی. نویسنده در این کتاب، پس از تعریف اسناد تاریخی، آن‌ها را به چهار دسته اسناد مالی و قضایی، سلطانیات، دیوانیات، و اخوانیات تقسیم‌بندی می‌کند و در ادامه به معرفی انواع اسناد تاریخی، ساختار، و سیر تاریخی آن‌ها می‌پردازد. این کتاب را می‌توان مهم‌ترین اثر در زمینه شناخت اسناد تاریخی به‌شمار آورد.

۲۵. امید رضایی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجاریه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. نویسنده در این کتاب اسناد تاریخی دوره قاجاریه را به دو دسته شرعی و عرفی تقسیم می‌کند. از نظر او، اسناد شرعی برآمده از مباحث فقهی بوده که شخصی ذی‌صلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره تنظیم کرده است و اسناد عرفی را حاصل دستاوردهای نظام اجتماعی - سیاسی حاکم و لازمه زندگی و روابط روزمره بشری می‌داند. نویسنده، ضمن ارائه ساختار اسناد شرعی، به معرفی انواع این اسناد می‌پردازد.

۲۶. محمد بن سبزی اصفهانی (۱۳۹۳)، *وجیزه التحریر*، به کوشش رسول جعفریان، قم: مورخ.

۲۷. حسین اصفهانی (۱۲۹۶ق)، *بحر الجواهر فی علم الدفاتر*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی ش ۶۱۳۸۶، ص ۴۶؛ *خاطرات دیوان‌بیگی* (۱۳۸۳)، به تصحیح ایرج افشار و سیدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر، ص ۲۳۴.

کتابنامه

اصفهانی شهشانی، حسین (۱۲۹۶ ق)، *بحر الجواهر فی علم الدفاتر*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۶۱۳۸۶.

اصفهانیان، کریم و دیگران (۱۳۸۵)، *اسناد تاریخی خاندان غفاری*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ثابتیان، ذ. (۱۳۴۳)، *اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفویه*، تهران: ابن‌سینا.

ثمره‌حسینی، مرضیه (۱۳۹۲)، «بررسی برات‌های دیوانی و تجاری دوره قاجاریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش اسناد و مدارک آرشیوی دانشگاه تهران.

ثمره‌حسینی، مرضیه و امین محمدی (۱۳۹۴)، «تحلیل ساختار برات‌های دیوانی در دوره قاجار»، *گنجینه اسناد*، س ۲۵، دفتر ۴.

جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۶۲)، *گنج شایگان*، تهران: نشر کتاب تهران.

دیوان‌بیگی، *خاطرات دیوان‌بیگی* (۱۳۸۳)، به تصحیح ایرج افشار و سیدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.

رضایی، امید (۱۳۹۰)، *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجاریه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶)، *مرآت الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.

سعیدی، حوریه (۱۳۸۸)، *شاه و جناب آقا: مکاتبات ناصرالدین شاه و میرزا یوسف مستوفی الممالک*، تهران: نشر تاریخ ایران.

عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

عین‌السلطنه سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

فرمان‌فرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۸۳)، *مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان*، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.

فروغ اصفهانی، محمدمهدی (۱۳۷۸)، *فروغستان*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
فلور، ویلم (۱۳۹۴)، *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۸)، *یک‌صدوپنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی*، تهران: چاپ‌خانه ارتش.
قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۷۸)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۹۳)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

متی، رودلف پ. (۱۳۸۷)، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، تهران: زوار.
میرزا رفیعا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، ترجمه علی کردآبادی، به‌کوشش اسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: وزارت خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

میرزا سمیعا (۱۳۷۸)، *تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به‌اهتمام سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۵۳)، *شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۶۰)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، از سال ۱۰۲۸ تا ۱۱۰۵ ق*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Floor, Willem (1998), *A Fysical History of Iran in the Safavid and Qajar Periods, 1500-1925*, New York: Bibliotheca Persica Press.